

مکاشفه عیسی مسیح - شماره چهار

اشعیا چهل

Jeff Pippenger

2023-10-23

پیام مکاشفه عیسی مسیح که اکنون مَهرش گشوده می‌شود، شامل شناسایی واژه عبری‌ای است که به «حقیقت» ترجمه شده است و، در کنار امور دیگر، بیانگر شخصیت مسیح به‌عنوان آلفا و امگا است. این اصل که آغاز چیزی نمایانگر پایان آن است، در سراسر کتاب مقدس جاری است، و شخصیت مسیح در کتاب مقدس آشکار می‌شود، زیرا او «کلمه» است. آلفا و امگا آن وجه شخصیت مسیح است که خود او آن را به‌عنوان اثبات این که او خداست معرفی می‌کند.

باب چهل کتاب اشعیا آغاز روایتی نبوی را نشان می‌دهد که تا پایان این کتاب، یعنی باب شصت و شش، ادامه می‌یابد. این روایت با معرفی تسلی‌دهنده‌ای که فرستاده می‌شود آغاز می‌شود؛ همان که مسیح به شاگردان وعده داد تا آنان را به سبب رفتن خود تسلی دهد. اما آمدن تسلی‌دهنده، همچون همه نبوت‌ها، تحقق کامل خود را در ایام آخر می‌یابد. این که اشعیا و عیسی آمدن تسلی‌دهنده را مشخص می‌کنند، به ناکامی جنبش یکصد و چهل و چهار هزار اشاره دارد که در ۲۰۲۰ رخ داد.

اما حقیقت را به شما می‌گویم: به سود شماست که من بروم؛ زیرا اگر نروم، تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ ولی اگر بروم، او را نزد شما خواهیم فرستاد. و هنگامی که بیاید، جهان را در باره گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد ساخت. یوحنا ۱۶:۷، ۸.

واژگان «گناه، پارسایی و داوری» همان چیزهایی‌اند که تسلی‌دهنده برای «توبیخ» جهان به کار خواهد برد. واژه‌ای که به «توبیخ» ترجمه شده، معنای «قانع کردن» را نیز در بر دارد. سه گام «گناه، پارسایی و داوری» نمایانگر آن واژه عبری است که به «حقیقت» ترجمه می‌شود. آن واژه از نخستین، سیزدهمین و واپسین حروف الفبای عبری ساخته شده است و نشان می‌دهد که آفریننده همه چیز، اول و آخر است؛ آلفا و امگا. وقتی تسلی‌دهنده نزد آن صد و چهل و چهار هزار ناامید بیاید، آنان را، و سپس جهان را، قانع خواهد کرد که خدا آلفا و امگا است.

تسلی دهید، تسلی دهید قوم مرا، خدایتان می‌گوید. به دل اورشلیم سخن گویند و به او ندا دهید که دوران جنگش به پایان رسیده است، که گنااهش آمرزیده شده است؛ زیرا از دست خداوند برای همه گناهانش دوچندان دریافت کرده است. صدای نداکننده‌ای در بیابان: راه خداوند را مهیا کنید، در صحرا برای خدایمان شاهراهی را هموار سازید. هر دره‌ای بلند خواهد شد، و هر کوه و هر تپه‌ای پست خواهند گردید؛ و کج‌ها راست خواهند شد، و جاهای ناهموار هموار خواهند گشت. و جلال خداوند آشکار خواهد شد، و تمامی بشر با هم آن را خواهند دید؛ زیرا دهان خداوند چنین گفته است. اشعیا ۴۰: ۵-۱۱

این بخش کار آخرین پیام‌آور ایلیا را مشخص می‌کند؛ پیام‌آوری که نمادش ویلیام میلر بود، که خود نمادش یوحنا تعمیددهنده بود، که او نیز نمادش ایلیا بود، و ملاکی او را به‌عنوان پیام‌آوری که راه را برای پیام‌آور عهد آماده می‌کند معرفی کرده بود. در جنبش ایلیای نهایی، زمانی که خداوند تسلی‌دهنده را می‌فرستد تا کسانی را که در زمان درنگ مایوس شده‌اند و در انتظار خداوند تقویت کند، "جلال خداوند آشکار خواهد شد، و تمامی بشر با هم آن را خواهند دید." "جلال" خداوند سرشت اوست، و "مکاشفه عیسی مسیح" گشوده‌شدن آن بعد از سرشت اوست که با آلفا و امگا نمایانده

شده است. پس از مقدمه پنج آیه نخست، "صدای نداکننده‌ای در بیابان" از خدا می‌پرسد: "چه ندا دهم؟"

صدایی گفت: فریاد برآور. او گفت: چه فریاد برآورم؟ تمام بشر مانند علف است و همه نیکویی آن همچون گل صحرا. علف می‌خشکد، گل می‌پژمرد، زیرا روح خداوند بر آن می‌وزد؛ به راستی قوم مانند علف است. علف می‌خشکد، گل می‌پژمرد، اما کلام خدای ما تا ابد پایدار خواهد ماند. اشعیا ۴۰:۶-۸

پیام شخصیت مسیح که به صورت آلفا و امگا بازنمایی شده است، در قالب نمادهای اسلام قرار گرفته است. در فصل سی و هفتم کتاب حزقیال، دره استخوان‌های مرده نخست گرد هم آورده می‌شود و سپس با پیام پیشگویانه چهار باد جان می‌گیرد.

فرشتگان چهار باد را مهار کرده‌اند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده که در صدد است از بند رها شود و بر سراسر چهره زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا بر درست در آستانه جهان جاودانی به خواب فرو رویم؟ آیا کند و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خود بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم ببینیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از آن دروازه تنگ بگذریم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases، جلد 20، ص. 217.

اسب خشمگین پیشگویی‌های کتاب مقدس اسلام است. اسب خشمگین از انجام کار ویرانگرش بازداشته شده است، چنان‌که در مکاشفه باب هفتم با نگره داشتن چهار باد از سوی چهار فرشته نشان داده شده است. آن‌ها تا زمانی که صد و چهل و چهار هزار نفر مهر شوند، بازداشته می‌مانند.

و پس از اینها دیدم که چهار فرشته بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را نگره می‌داشتند تا مبادا بادی بر زمین یا بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. و فرشته دیگری دیدم که از مشرق بالا می‌آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و با آواز بلند به آن چهار فرشته‌ای که به آنان داده شده بود به زمین و دریا آسیب برسانند، ندا داد و گفت: «نه به زمین و نه به دریا و نه به درختان آسیب نرسانید تا زمانی که بندگان خدای خود را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم.» مکاشفه ۷:۱-۳

نگره داشته شدن چهار باد، نمایانگر مهار اسلام است تا زمانی که مهر شدن قوم خدا به انجام برسد. اسلام در مکاشفه به صورت سه شیپور آخر از میان هفت شیپور، و نیز سه «وای» به تصویر کشیده شده است.

و فرشته‌ای را دیدم و شنیدم که در میانه آسمان پرواز می‌کرد و با آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به سبب بانگ‌های دیگر شیپورهای آن سه فرشته که هنوز باید بنوازند! مکاشفه ۸:۱۳.

پس از معرفی سه شیپور وای، یوحنا در باب نهم ویژگی‌های اسلام را مشخص می‌کند. در آیه چهارم باب نهم، دستوری به اسلام داده می‌شود که در دوران ابوبکر، نخستین رهبر پس از محمد، تحقق یافت.

و به آنان فرمان داده شد که نه به علف زمین و نه به هیچ گیاه سبز و نه به هیچ درختی آسیبی نرسانند، بلکه فقط به کسانی آسیب رسانند که مهر خدا را بر پیشانی‌های خود ندارند. مکاشفه ۹:۴.

یوریا اسمیت ارتباط ابوبکر با آیه چهارم را مشخص کرد.

پس از درگذشت محمد، در سال ۶۳۲ میلادی، ابوبکر جانشین او در فرماندهی شد؛ و او به محض آن که اقتدار و حکومت خود را به خوبی تثبیت کرد، بخشنامه‌ای به قبایل عرب فرستاد که بخشی از آن در پی می‌آید:

«هنگامی که نبردهای خداوند را می‌جنگید، چون مردان رفتار کنید و پشت بر مگردانید؛ اما مبادا پیروزی‌تان به خون زنان و کودکان آلوده شود. هیچ نخلی را نابود نکنید و هیچ کشتزار غله‌ای را نسوزانید. هیچ درخت میوه‌ای را قطع نکنید و به دام‌ها آسیبی نرسانید، جز آن اندازه که برای خوردن می‌کشید. چون پیمانی بستید یا شرطی نهادید، بر آن پای بفشارید و به سخن خود وفادار باشید. و چون راه می‌سپارید، با برخی دینداران روبه‌رو خواهید شد که در صومعه‌ها گوشه‌نشین‌اند و چنین شیوه‌ای را برای خدمت به خدا برگزیده‌اند؛ آنان را به حال خود بگذارید، نه ایشان را بکشید و نه صومعه‌هایشان را ویران کنید. و با گروه دیگری نیز روبه‌رو خواهید شد که از کنیسه شیطان‌اند و فرق سر تراشیده دارند؛ حتماً جمعه‌هایشان را بشکافید و به آنان امان ندهید تا یا مسلمان شوند یا خراج بپردازند.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۵۰۰.

اوریا اسمیت ادامه می‌دهد و دو طبقه از مردم را مشخص می‌کند که بنا بود به وسیله جنگجویان اسلامی‌ای که ابوبکر برای جنگ با روم فرستاد از هم متمایز شوند. یک طبقه را راهبان کاتولیک تشکیل می‌دادند که در یکشنبه عبادت می‌کردند؛ و طبقه دیگر کسانی بودند که در روز هفتم عبادت می‌کردند. اسلام فقط قرار بود به پرستندگان خورشید حمله کند. مهم‌تر برای ملاحظات ما این است که انسان‌ها، چه کسانی که یکشنبه را نگاه می‌دارند و چه کسانی که سبت را نگاه می‌دارند، به صورت نمادین به عنوان علف، هر چیز سبز و درختان بازنمایی شده‌اند. چهار باد در باب هفتم از وزیدن بر علف بازداشته شدند تا زمانی که نگاه‌دارندگان سبت مهر شدند.

پیام‌آور جنبش صد و چهل و چهار هزار از خدا می‌پرسد: «چه چیز فریاد زخم؟» به او گفته شد که پیامش این باشد که کلام خدا تا ابد استوار می‌ماند، و آن پیام باید در زمینه بادی قرار گیرد که بر علف می‌وزد. هنگامی که تسلی‌دهنده نزد آن صد و چهل و چهار هزار فرستاده می‌شود که از یک پیشگویی شکست‌خورده درباره اسلام نومید شده‌اند و سپس درمی‌یابند که در زمان تأخیر مثل ده پاکره هستند، آنگاه تسلی‌دهنده به آنان خبر می‌دهد که پیامی که باید ارائه کنند، پیام نقش اسلام در نبوت‌های کتاب مقدس است. آمدن تسلی‌دهنده، در تاریخ زمان تأخیر، آنان را برپا می‌دارد.

و به من گفت: ای پسر انسان، بر پاهای خود بایست، و با تو سخن خواهم گفت. و هنگامی که با من سخن گفت، روح در من درآمد و مرا بر پاهایم برپا داشت، تا او را که با من سخن می‌گفت، بشنوم. حزقیال ۱: ۲، ۳.

آن‌ها وقتی دوباره زنده می‌شوند، می‌ایستند.

و مردمانی از میان قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و ملت‌ها، اجساد آنان را سه روز و نیم خواهند دید و نخواهند گذاشت که اجسادشان دفن شود. و ساکنان زمین از بابت آنان شادی خواهند کرد و جشن خواهند گرفت و به یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا این دو نبی ساکنان زمین را عذاب داده بودند. و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در آنان داخل شد و بر پاهای خود ایستادند؛ و ترسی عظیم بر آنان که ایشان را دیدند فرو افتاد. مکاشفه ۹: ۱۱-۱۱.

دو مرحله ایستادن و سپس برافراشته شدن همچون پرچم، در باب سی‌وهفتم نیز توسط حزقیال نشان داده شده است. گام نخست حزقیال اجزای بدن استخوان‌های خشک و مرده‌ای را که در دره نامیدی‌اند گرد هم می‌آورد. گام دوم حزقیال پیام چهار باد است، که پیام مهر کردن است، که پیام اسلام است.

و او به من گفت: ای پسر انسان، آیا این استخوان‌ها می‌توانند زنده شوند؟ و من پاسخ دادم: ای خداوند خدا، تو خود می‌دانی. باز به من گفت: بر این استخوان‌ها نبوت کن و به آنان بگو: ای

استخوان‌های خشک، کلام خداوند را بشنوید. خداوند خدا چنین به این استخوان‌ها می‌گوید: اینک روح را در شما داخل می‌کنم تا زنده شوید. و بر شما پی‌ها می‌گذارم و بر شما گوشت می‌رویانم و شما را به پوست می‌پوشانم و در شما روح می‌نهم تا زنده شوید؛ و خواهید دانست که من خداوندم. پس چنان‌که فرمان یافته بودم نبوت کردم، و هنگامی که نبوت می‌کردم، صدایی پدید آمد و اینک لرزشی، و استخوان‌ها به هم درآمدند، هر استخوان نزد استخوان خویش. و چون نگریستم، اینک پی‌ها و گوشت بر آنها رویید و پوست بر آنها کشیده شد؛ اما در ایشان روحی نبود. آنگاه به من گفت: بر باد نبوت کن، نبوت کن ای پسر انسان، و به باد بگو: خداوند خدا چنین می‌گوید: ای روح، از چهار باد بیا و بر این کشتگان بدم تا زنده شوند. پس چنان‌که او به من فرمان داده بود نبوت کردم، و روح در آنها درآمد، و زنده شدند و بر پاهای خود ایستادند، لشکری بسیار عظیم. حزقیال ۳: ۳۷-۱۰.

در بخشی از کتاب اشعیا که اکنون در حال بررسی آن هستیم، هنگامی که تسلی‌دهنده فرا می‌رسد، آنان بر پا می‌ایستند، سپس چون بیرقی بر فراز کوهی بلند برافراشته می‌شوند و «خبر خوش» را اعلام می‌کنند که همان باران آخر، یعنی پیام فرشته سوم، است.

ای صهیون بشارت آور، بر کوه بلند برآ؛ ای اورشلیم بشارت‌آور، آوازت را به قوت بلند کن؛ بلندش کن، مترس؛ به شهرهای یهودا بگو: اینک خدای شما! اینک، خداوند یهوه با دستی نیرومند می‌آید و بازوی او برای او حکمفرمایی خواهد کرد؛ اینک، پاداش او با اوست و مزدش پیش روی او. او گله خود را چون شبان خواهد چراند؛ بره‌ها را به بازوی خویش گرد خواهد آورد و آنان را در آغوش خواهد برد، و به نرمی آنانی را که بچه دارند رهبری خواهد کرد. کیست که آب‌ها را در گودی کف دست خویش پیمود و آسمان را به وجب اندازه گرفت و خاک زمین را در پیمانۀ گنجانید و کوه‌ها را با ترازو و تپه‌ها را با میزان وزن کرد؟ کیست که روح خداوند را هدایت کرده یا چون مشیر او به او تعلیم داده است؟ یا که مشورت کرد، و چه کسی او را تعلیم داد و او را در راه داوری آموخت و معرفت را به او آموخت و طریق فهم را بدو نشان داد؟ اینک، امت‌ها چون قطره‌ای از دلواند و چون غبار ریز ترازو به شمار می‌آیند؛ اینک، جزایر را چون چیزی بسیار کوچک برمی‌گیرد. و لبنان برای افروختن بس نیست، و حیوانات آن برای قربانی سوختنی بسنده نیست. همه امت‌ها در برابر او چون هیچ‌اند؛ و نزد او کمتر از هیچ و باطل محسوب می‌شوند. اشعیا ۴۰: ۹-۱۷.

آنان که از قبور خود بیرون آمده‌اند، چون بیرقی برافراشته می‌شوند و، چنان‌که اشعیا بیان می‌کند، به «کوهی بلند» برده می‌شوند. آن کوه بلند همان بیرق است و نماد کسانی است که در دوره تأخیر، که با نخستین سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز می‌شود، منتظر خداوند بودند.

هزار تن از توییخ یک تن خواهند گریخت؛ از توییخ پنج تن خواهید گریخت، تا آنکه باقی بمانید چون مشعلی بر فراز قلّه کوه و چون پرچمی بر فراز تپه. و از این رو خداوند منتظر می‌ماند تا بر شما فیض کند، و از این رو سرافراز خواهد شد تا بر شما رحمت آورد؛ زیرا خداوند خدای عدالت است؛ خوشا به حال همه آنان که برای او انتظار می‌کشند. اشعیا ۱۷: ۳۰، ۱۸.

در مکاشفه یازده، پرچم به آسمان برده می‌شود.

و صدایی عظیم از آسمان شنیدند که به ایشان می‌گفت: به اینجا بالا آیید. و ایشان در ابری به آسمان صعود کردند؛ و دشمنانشان ایشان را دیدند. و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم رخ داد و یک‌دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار نفر از مردم کشته شدند؛ و بازماندگان به هراس افتادند و به خدای آسمان جلال دادند. مکاشفه ۱۱: ۱۲، ۱۳.

مکاشفه باب یازدهم تصریح می‌کند که دو شاهد در همان ساعتی که زلزله رخ می‌دهد، به آسمان بالا برده می‌شوند. زلزله‌ای که در تاریخ گذشته با انقلاب فرانسه تحقق یافت، نماد سرنگونی ایالات

متحده در هنگام قانون یکشنبه است. بنابراین، علم در هنگام قانون یکشنبه برافراشته می‌شود و سپس «خبر خوش» را به سراسر جهان اعلام می‌کند.

ای همه ساکنان جهان و باشندگان زمین، بنگرید، هرگاه او پرچمی بر کوه‌ها برافرازد؛ و هرگاه در شیپور بدمد، بشنوید. اشعیا ۱۸:۳

پرچم، هنگامی که «کرنای» دمیده شود، «بشارت» را اعلام خواهد کرد. آخرین پیام کرنای کتاب مکاشفه، کرنای هفتم است که وای سوم است، که همان اسلام است. اشعیا، یوحنا و حزقیال همگی درباره ایام آخر سخن می‌گویند و هرگز با یکدیگر تناقض ندارند.

مهر خدا در زمان قانون روز یکشنبه بر قوم خدا نهاده می‌شود.

هیچ‌کدام از ما تا وقتی که سیرت‌مان حتی یک لکه یا آلودگی در خود داشته باشد، هرگز مهر خدا را دریافت نخواهیم کرد. بر عهده ماست که عیب‌های سیرت‌مان را برطرف کنیم و معبد روح را از هر ناپاکی پاک سازیم. آن‌گاه باران پسین بر ما خواهد بارید، چنان‌که باران پیشین در روز پنتیکاست بر شاگردان فرو ریخت. . . .

"شما، ای برادران، در کار بزرگی آماده‌سازی چه می‌کنید؟ کسانی که با جهان متحد می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و برای نشانه وحش آماده می‌شوند. کسانی که به خود اعتماد ندارند، که خود را در برابر خدا فروتن می‌کنند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند، اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و برای مهر خدا بر پیشانی‌های خود آماده می‌شوند. وقتی فرمان صادر شود و مهر زده شود، شخصیت آنان تا ابد پاک و بی‌لکه خواهد ماند." شهادت، جلد ۵، ۲۱۴-۲۱۶.

هرچند حکم در هنگام قانون یکشنبه اعمال می‌شود، کسانی که مهر را دریافت می‌کنند باید پیش از قانون یکشنبه سیرتی آماده برای دریافت مهر داشته باشند، زیرا قانون یکشنبه همان بحرانی است که همه بحران‌های کلام خدا به سوی آن اشاره دارند. این همان «بحران» یا «فریاد» نیمه‌شب در مثل ده باکره است.

منش در بحران آشکار می‌شود. هنگامی که در نیمه‌شب ندایی جدی بانگ برآورد: «اینک داماد می‌آید؛ بیرون روید به استقبال او»، دوشیزگان خفته از خواب برخاستند و آشکار شد چه کسی برای آن رویداد تدارک دیده است. هر دو دسته غافلگیر شدند، اما یکی برای تنگنا آماده بود و دیگری بی‌تدارک یافت شد. منش به وسیله شرایط آشکار می‌شود. تنگناها عیار راستین منش را آشکار می‌کنند. حادثه‌ای ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده، داغی یا بحرانی، بیماری یا رنجی غیرمنتظره، چیزی که جان را رودررو با مرگ می‌نشانند، درون‌مایه راستین منش را برملا خواهد کرد. آنگاه آشکار می‌شود که آیا ایمانی راستین به وعده‌های کلام خدا هست یا نه. آشکار می‌شود که آیا جان از فیض نیرو می‌گیرد یا نه، آیا در ظرف، برای چراغ، روغنی هست یا نه.

روزهای آزمون برای همه فرا می‌رسد. در برابر آزمون و سنجش خدا چگونه رفتار می‌کنیم؟ آیا چراغ‌هایمان خاموش می‌شوند؟ یا هنوز آنها را روشن نگه می‌داریم؟ آیا با پیوند با او که سرشار از فیض و راستی است، برای هر پیشامدی آماده‌ایم؟ پنج باکره دانا نمی‌توانستند شخصیت خود را به پنج باکره نادان منتقل کنند. شخصیت باید به صورت فردی توسط خود ما شکل بگیرد. ریویو اند هرال، ۱۷ اکتبر ۱۸۹۵.

دوشیزگان خردمند به روغن نیاز داشتند، پیش از آن‌که ندا بلند شود، زیرا وقتی بحران نیمه‌شب فرا می‌رسد، دیگر برای تهیه روغن دیر است.

«روحی از درماندگی، جنگ و خونریزی حکم‌فرماست، و آن روح تا خود پایان زمان شدت خواهد گرفت. به محض این‌که قوم خدا بر پیشانی‌هایشان مهر شوند—نه مهر یا نشانه‌ای که بتوان دید،

بلکه استقرار در حقیقت، هم از نظر عقلانی و هم روحانی، به گونه‌ای که نتوان آنان را متزلزل کرد—به محض این که قوم خدا مهر شوند و برای لرزش آماده گردند، آن فرا خواهد رسید. به راستی، همین اکنون آغاز شده است؛ داورهای خدا اکنون بر این سرزمین فرود آمده‌اند تا به ما هشدار دهند، تا بدانیم چه در راه است.» انتشارات دست‌نوشته‌ها، جلد ۱، ۲۴۹.

مهر خدا تثبیت شدن در حقیقت است، هم از نظر فکری و هم از نظر روحانی. آن مهر دیده نمی‌شود، اما نشانه دیده خواهد شد، زیرا تنها راهی است که می‌توان جهان را هشدار داد. بنابراین، زمانی هست که آن مهر دیده نمی‌شود، و پس از آن قانون یکشنبه فرا می‌رسد؛ دوره‌ای که در آن مهر باید دیده شود.

کار روح‌القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داور ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحت جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

مهری که باید پیش از قانون یکشنبه به دست آید، شکل‌گیری کامل سیرت مسیح است، و جز فرشتگان کسی آن را نمی‌بیند. مهری که در هنگام قانون یکشنبه دیده می‌شود، همان کسانی‌اند که سبت روز هفتم را نگاه می‌دارند، زیرا سبت مهر یا نشانه قوم خداست.

تو نیز به بنی اسرائیل بگو: به راستی سبت‌هایم را نگاه دارید، زیرا این در تمامی نسل‌های شما نشانه‌ای است میان من و شما، تا بدانید که من خداوند هستم که شما را تقدیس می‌کنم. خروج ۳۱:۱۳

مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز شد و باید پیش از قانون یکشنبه به پایان برسد.

ای همه ساکنان جهان و باشندگان زمین، بنگرید، هرگاه او پرچمی بر کوه‌ها برافرازد؛ و هرگاه در شیپور بدمد، بشنوید. اشعیا ۱۸:۳

هفت رعدی که اکنون مهر آن گشوده شده است، نشان می‌دهد که تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفر، کار اعلام پیامی است که در زمینه هشدار شیپور وای سوم قرار دارد. شیپور اسلام در نبوت‌های کتاب مقدس همان است که به وسیله علم‌ی که از قبر برافراشته می‌شود نواخته می‌شود.

چهار نشان راه هر خط اصلاح، که با چهار نشان راه تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ هم‌ترازند، ثابت می‌کند که هر یک از چهار گام هر خط اصلاح همواره همان موضوع را دارد. نخستین نشان راه در تاریخ مربوط به یکصد و چهل و چهار هزار - تاریخی که با ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ نمایانده شده بود - قدرت‌گیری پیام در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. آن نشان راه، اسلام بود. دومین نشان راه تاریخ موازی برای یکصد و چهل و چهار هزار، ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بود. آن نشان راه، پیشگویی‌ای درباره اسلام بود که با تعیین زمان تحریف شده بود. سومین نشان راه که نشانگر فریاد نیمه‌شب است، اصلاح پیشگویی شکست‌خورده درباره اسلام است. این اصلاح، نمایانگر رد تعیین زمان است. چهارمین نشان راه، قانون یکشنبه است؛ جایی که بیرقی که برافراشته می‌شود، شیپور هفتم را می‌نوازد که همان وای سوم است، یعنی اسلام.

فصل چهارم اشعیا نقطه آغاز بیست و شش فصل بعدی را مشخص می‌کند. آن نقطه آغاز در کتاب مکاشفه، باب یازدهم، است؛ زمانی که دو نبی که مردم را عذاب می‌دادند، به حیات بازگردانده می‌شوند. تسلی‌دهنده آنان را زنده می‌سازد و برپا می‌دارد، و پس از آن به آسمان برده می‌شوند. اشعیا، پیام‌آور ایلیا را به عنوان «ندایی که در بیابان فریاد می‌زند» معرفی می‌کند. آن پیام‌آور سپس می‌پرسد پیامش چه باید باشد و به او، در نمادپردازی نبوی، گفته می‌شود که پیام اسلام شیپور هشدار است که رایت آن را اعلام می‌کند. اما تنها راهی که اسلام می‌تواند در ایام آخر به عنوان شیپور هشدار عرضه شود، شناسایی اسلام گذشته است. آغاز اسلام، چنان که توسط پیروان میلر فهمیده شد و بر دو لوح مقدس حبقوق به صورت تصویری ترسیم گشت، باید به کار گرفته شود تا اسلام مربوط به «سومین وای» شناسایی گردد.

در روز خداوند در روح بودم و پشت سر خود صدایی بلند شنیدم، همچون صدای شیپور. مکاشفه ۱:۱۰.

یوحنا در کتاب مکاشفه صدای شیپوری را از پشت سر خود شنید، و او نماینده آن صد و چهل و چهار هزار نفری است که صدایی از گذشته را می‌شنوند. آن صدای پشت سر یوحنا، که نمایانگر صدای شیپوری از گذشته است، همان برداشت پیشگامانه‌ای است که شیپورها را داورهای خدا علیه پرستش روز یکشنبه می‌دانست. چهار شیپور نخست در پاسخ به نخستین قانون یکشنبه که به دست کنستانتین در سال ۳۲۱ تصویب شد، علیه روم بت‌پرست آورده شدند. پنجمین و ششمین شیپور، که نخستین و دومین وای هستند، نمایانگر داورهای خدا علیه روم پاپی هستند، پس از آن که آن نیز در شورای اورلئان در سال ۵۳۸ قانون یکشنبه‌ای را تصویب کرد. سومین وای اسلام زمانی فرا می‌رسد که قانون یکشنبه در ایالات متحده تصویب شود. سپس علم برافراشته می‌شود و نقش نبوتی اسلام را، بر پایه نقش آغازین اسلام، مشخص می‌کند.

پیامی که به وسیله علم اعلام می‌شود، تنها زمانی تثبیت می‌گردد که این پیام در چارچوب الفا و امگا قرار گیرد. پس از این مقدمه در اشعیا باب چهل، نیرومندترین و مستقیم‌ترین ارائه کتاب مقدس از خدا به عنوان الفا و امگا در چندین باب پیاپی بیان می‌شود. آن باب‌ها بازنمایی اشعیا از مکاشفه عیسی مسیح هستند که «خدا آن را به» عیسی «داد، تا به بندگانش نشان دهد چیزهایی را که باید به زودی واقع شوند؛ و آن را به وسیله فرشته خود فرستاد و آن را به خدمتگزارش یوحنا اعلام کرد»، که آن را «در کتابی نوشت و» آن را «به هفت کلیسا» فرستاد.

در مقاله بعدی به بررسی باب‌های ذیل از کتاب اشعیا خواهیم پرداخت.

خوشا به حال کسی که می‌خواند و خوشا به حال آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده نگاه می‌دارند؛ زیرا وقت نزدیک است. مکاشفه ۱:۳.